

اقتصاد مقاومتی و صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور (بند ۱۶ سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی)

مجید رضایی دوانی^۱

مرتضی رضایی^۲

چکیده

سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی در راستای تحقق اقتصاد مقاوم و پایدار برای کشور است تا در مقابل شوک‌های خارجی صلابت خود را حفظ نماید. بند ۱۶ این سیاست‌ها بر لزوم صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور تأکید دارد. هزینه کرد دولت در بخش‌های مختلف بر اساس اندازه دولت است که به دلیل تصدی‌گری‌های زیاد دولت در امور گوناگون در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است. آنچه در این مقاله آمده است مروری بر اندیشه‌های اقتصادی اسلام در خصوص معیارهای عملکردی دولت می‌باشد و در ادامه با تبیین روند گذشته و وضعیت فعلی هزینه‌های عمومی دولت، عوامل مؤثر بر هزینه‌ها و راهکارهای پیشنهادی برای تقلیل و صرفه‌جویی در منابع عمومی دولت پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: هزینه‌های دولت، اقتصاد مقاومتی، صرفه‌جویی، سیاست ابلاغی

۱. عضو هیات علمی دانشگاه مفید

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته توسعه و برنامه‌ریزی دانشگاه علم و صنعت

۱- مقدمه

اقتصاد مقاومتی در پی تقویت بنیادهای اقتصادی ایران و پویایی و انعطاف آن در تحولات پیش روست. استقلال خواهی و تقویت اقتصاد داخلی سالهاست با عبارات گوناگون در میان شعارهای کشورهای جهان سوم طنین انداز است و کشورهای عقب مانده برای رسیدن به شرایط پایدار اقتصادی تلاش های فراوانی را انجام داده اند، البته در یکصدسال اخیر فقط اندکی از ده ها کشور در حال توسعه توانسته اند خود را از کمند عقب ماندگی نجات دهند. عمده کشورهای مذکور با حمایت کشورهای صنعتی توانسته اند گام مذکور را به خوبی بردارند. تحولات کره جنوبی و مالزی دارای قابلیت بررسی در این زمینه است. از سوی کشورهای ژاپن، آلمان، ایتالیا و آمریکا در قرن ۱۹ توانستند با جداسدن از قدرت های برتر آن زمان (انگلیس و فرانسه) اقتصاد فعال و قدرتمندی را برای خود پایه ریزی کنند به گونه ای که حتی جنگ های مخرب جهانی اول و دوم نیز نتوانست آلمان، ژاپن و ایتالیا را از صحنه قدرت جهانی خارج کند و آنها توانستند در مدت کمی پس از شکست در جنگ دوباره خود را باز یابند. باید گفت اقتصادهای قدرتمند امروزی که می توانند در مقابله با بحرانهای اقتصاد به صورت فعال عمل کنند و از پویایی و انعطاف لازم برخوردار بوده و مشکلات اقتصادی را با سلاح علم برطرف می نمایند دارای واقعیت انعطاف پذیری، پویایی و تاب آوری است که تمامی کشورهای در حال توسعه خواستار وصول به آن هستند.

ایران پس از انقلاب اسلامی خیزشی در این زمینه برداشت و حتی شرایط اقتصادی هرچه سخت تر می شد، تلاش در این جهت افزونی می یافت. برنامه های اقتصادی دوران جنگ و پنج برنامه پنج ساله از جمله اقدامات در این زمینه بوده و هریک سهمی از آن را بر عهده داشته است. تقویت اقتصاد بومی، افزایش تولیدات کشاورزی و صنعتی، بهبود فناوری، ارتقا سطح علمی کشور و موارد دیگر همه از این قبیل است. در ایران سالهاست که برای رفاه عمومی، عمران و آبادانی، ارتقای آموزش و سلامت، دولت فعالیتهای زیادی را انجام داده و توانسته در چارچوب سیاست های اقتصادی و اجتماعی کالای عمومی متعددی را تولید و در اختیار جامعه قرار دهد. نگاهی به آمارهای رسمی در سه دهه اخیر نشان می دهد که درآمدهای دولتی، هزینه های آن در ابعاد مختلف افزایش شدیدی داشته است. ولی به علت وابستگی شدید درآمدها به درآمد نفت و نوسان زیاد آن مشکلاتی برای هزینه ها رخ داده است. نوسان در قیمت و فروش نفت، نوسان در هزینه های دولت به ویژه هزینه های عمرانی ایجاد کرد که در دهه اخیر شاهد این امور در افزایش درآمد و کاهش آن بوده ایم.

اقتصاد مقاومتی که شکلی از اقتصاد اسلامی است، در سالهای اخیر از سوی مقام معظم رهبری به عنوان راه حل اصلی نجات کشور مطرح شده است. ابلاغ سیاست های اقتصاد مقاومتی در ۲۹

بهمن سال ۱۳۹۲ در ۲۴ بند که ابعاد متعددی دارد، زمینه اجرای آن را در کشور به طور وسیعی فراهم کرد. یکی از ابعاد اقتصاد مقاومتی تنظیم بودجه و تناسب هزینه و درآمد است. کسری بودجه واقعی در کشور از مشکلات اساسی است. تراز عملیاتی بودجه معمولاً با کسری مواجه است و بخش درآمدی آن (مالیات‌ها، عوارض، درآمدهای ناشی از مستغلات و متفرقه) قدرت تأمین هزینه‌های جاری را ندارد و کسری مذکور با مازاد تراز سرمایه‌های ناشی از فروش سرمایه مثل نفت و گاز جبران می‌شود. برای بهبود وضعیت و کاهش نوسانات و ثبات اقتصاد و غلبه بر مشکلات بودجه دولت در شرایط فعلی راهی جز افزایش درآمدهای پایدار یا کاهش هزینه‌ها و حذف امور زائد نیست.

یکی از بندهای سیاست‌های ابلاغی (بند ۱۶) صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضروری و هزینه‌های زائد است. مقاله حاضر جهت بررسی این بند از سیاست‌ها تنظیم می‌شود و سؤال اصلی مقاله عبارت است از: راه‌های صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور در چارچوب اقتصاد مقاومتی در شرایط امروزی ایران کدام‌اند؟ و سؤال‌های فرعی شامل: وضعیت هزینه‌های عمومی ایران در حال حاضر چگونه است؟ عوامل مؤثر بر هزینه‌ها کدام‌اند؟ وضعیت ایران در مقایسه با کشورهای پیشرفته از منظر اندازه دولت چگونه است؟ از میان هزینه‌های عمومی کشور کدامیک قابلیت حذف یا ترمیم دارد؟ می‌باشد.

روش تحقیق در مقاله، تحلیلی-توصیفی مستند بر آمار و اطلاعات رسمی منتشر شده است و بر اساس منابع کتابخانه‌ای و تحلیل‌های صورت گرفته جواب سؤال‌ها داده می‌شود. از آنجا که اقتصاد مقاومتی در چارچوب اقتصاد اسلامی تعریف و تبیین می‌گردد، لازم است دیدگاه اقتصاد اسلامی نسبت به وظایف دولت و اصول حاکم بر تصمیم‌گیری‌های آن بیان گردد. از این رو ساختار مقاله پس از بیان مقدمه، امور ذیل را دربر می‌گیرد. پیشینه تحقیق، وظایف دولت اسلامی، اصول حاکم بر تصمیم‌گیری دولت، وضعیت هزینه‌های عمومی کشور، مقایسه کشور با دیگر کشورها، راه‌های حذف یا ترمیم هزینه‌های غیرضروری و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.

۲- پیشینه پژوهش

۱- مهدی تقوی و علیرضا صنیع دانش (۱۳۷۵) در مطالعه "علل افزایش حجم فعالیت‌های دولت در ایران از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰" به دنبال دلایل نوسان حجم فعالیت‌های دولت در دوره مورد بررسی می‌باشند و از طریق آزمون رگرسیون مقدار وابستگی وظایف دولت به درآمد نفت اندازه‌گیری می‌شود و فرضیه عامل درآمدهای نفتی به‌عنوان علت تغییر حجم فعالیت‌های دولت بیان می‌شود و به دلیل خارج از کنترل بودن آن، دولت بایست برای کاهش بار مالی خود از حجم فعالیت‌های خود بکاهد.

- ۲- علی اکبر قلی زاده (۱۳۸۳) در مقاله خود "رویکردی برای تعیین اندازه بهینه دولت (بر مبنای بودجه عمومی دولت)" با استفاده از معیار بهره‌وری مخارج دولت اندازه بهینه دولت را در قالب نظریه تولید و مدل اقتصادسنجی برآورد می‌کند. وی بیان می‌کند که به‌طور متوسط اندازه دولت در کل اقتصاد ایران برابر ۲۱.۴٪ است که این مقدار در کشورهای درحال توسعه منتخب ۲۹٪ و در کشورهای صنعتی دوبرابر مقدار مربوط به ایران می‌باشد. همچنین با مطالعه بر رابطه مخارج دولت و رشد اقتصادی نتیجه گرفته می‌شود که هزینه‌های دولت بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد و نیز اندازه بهینه دولت در دامنه ۲۳ و ۲۳.۰۵ تخمین زده می‌شود که از میزان حقیقی آن در دوره ۱۳۴۳ تا ۱۳۸۰ که ۲۱.۵ بوده است بیشتر است.
- ۳- سیدمهدی حسینی، علیرضا غیبی و ایمان فدائی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی تطبیقی ترکیب مخارج بودجه دولت بین گروه کشورهای توسعه‌یافته، درحال توسعه و ایران" ترکیب مخارج عمومی دولت را نسبت به تولید ناخالص داخلی در کشورهای منتخب شامل آمریکا، انگلستان، دانمارک، کانادا، نروژ، کره جنوبی، ترکیه، مالزی، اندونزی، هند، آفریقای جنوبی و ایران در سال ۲۰۰۳ را بررسی می‌کنند. در این مطالعه بیان می‌شود که این نسبت در ایران ۳۱.۴ که ۷۵٪ آن هزینه‌های جاری و ۲۵٪ آن هزینه‌های عمرانی است که نشان از حضور مؤثر دولت در اقتصاد و نیز اعتبارات مناسب در بخش عمرانی است. علاوه بر این در این پژوهش نشان داده می‌شود که میزان مخارج دولت در مقایسه با سایر کشورها در امور عمومی کمتر از کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته، در امور دفاعی بیشتر از کشورهای درحال توسعه و کمتر از کشورهای توسعه‌یافته، در امور اجتماعی در جایگاه نزدیک به کشورهای توسعه‌یافته و در امور اقتصادی به علت عهده‌داری وظایف و مسئولیت‌های مختلف در حوزه اقتصادی، ایران میزان بالاتری از کل مخارج خود را نسبت به سایر کشورها به این بخش اختصاص داده و بنابراین لازم است برای پیمودن مسیر صنعتی شدن میزان مخارج بیشتری در حوزه سرمایه‌ای و زیربنایی هزینه شود و کاهش تصدی‌گری دولت در بخش اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.
- ۴- حسین بازمحمدی و اکبر چشمی (۱۳۸۵) در گزارش ۲۹ اداره بررسی و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی با عنوان "اندازه دولت در اقتصاد ایران" بیان می‌کنند اندازه دولت مرکزی در اقتصاد بسیار زیاد است که دلیل اصلی آن احتساب ارقام پارانه انرژی و مابه‌التفاوت نرخ ارز در آن است که بیشتر آن مربوط به مخارج جاری دولت است. در این مطالعه بیان می‌شود اندازه بخش عمومی که شامل دولت و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت است، بیش از ۷۲ درصد تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود که تسلط زیاد دولت در سطح اقتصادی را نشان

می‌دهد. میزان بالای تصدی‌گری‌های دولت در عرصه اقتصادی باعث افزایش اختلالات در مقررات و سیاست‌های دولت و نیز کاهش بهره‌وری در منابع می‌گردد و پیشنهاد می‌شود دولت برنامه‌های خود را با سرعت بیشتری در جهت سیاست‌های اصل ۴۴ و سند چشم‌انداز تدوین نماید.

۵- مرتضی سامتی، محسن رنانی و مژگان معلمی (۱۳۸۶) در مقاله "تمرکززدایی و منافع تشکیل دولت‌های محلی از منظر افزایش کارایی" با استفاده از ابزارهای مرسوم اقتصاد خرد و در چارچوب حداکثرسازی مطلوبیت مصرف‌کننده میانی، راهکار و رهیافت جدیدی در زمینه تأثیر سیاست تمرکززدایی بر کارایی اقتصادی بخش اقتصادی ارائه شده است. نتیجه حاصل از این پژوهش بیان می‌کند که با فرض وجود دموکراسی و ثابت بودن سایر شرایط و برابری هزینه‌ها و منافع نهایی تمرکززدایی که سطح بهینه تمرکززدایی وظایف دولت مرکزی است، واگذاری اختیارات به دولت‌های محلی می‌تواند اقتصاد را در دستیابی به کارایی بیشتر و افزایش مطلوبیت از مصرف کالاهای عمومی راهنمایی کند.

۶- همچنین سید مهدی حسینی، فدایی و غیبی (۱۳۸۷) در مقاله‌ی دیگری با عنوان "ترکیب اجزای مخارج دولت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی با تأکید بر امور و فصول بودجه عمومی" با استفاده از مدل رشد درونزای بارو و مطالعات اقتصادسنجی معادلات همزمان تأثیر مخارج دولت را در رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهند. نتیجه این پژوهش حاکی از نتیجه مثبت و معنی‌داری بین مخارج جاری و رشد اقتصادی است که طی آن به ازای افزایش یک‌درصدی مخارج دولت ۰.۱۹٪ رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. همچنین سهم مخارج جاری، عمرانی، امور عمومی، امور اجتماعی، امور اقتصادی و امور دفاعی در رشد تولید ناخالص سرانه به ترتیب برابر ۰.۳۷، -، ۰.۲۴، ۰.۰۸، -، ۰.۰۳۱، ۰.۰۴۵ و ۰.۰۲ است و بنابراین می‌بایست منابع بودجه‌ای را به نحوی تخصیص داد که توسعه و رشد اقتصادی را در پی داشته باشد که این امر با حذف تخصیص‌های غیرکارا و جایگزینی درآمدهای مالیاتی امکان‌پذیر است.

۷- یدالله دادگر و روح‌الله نظری (۱۳۸۷) در پژوهش "اندازه بهینه دولت در کشورهای منتخب اسلامی" با استفاده از آزمون‌های رگرسیون در داده‌های سری زمانی به صورت پانل برای کشورهای منتخب اسلامی اندازه بهینه دولت را بررسی می‌کنند و نتیجه آن نشان می‌دهد که از ۴۶ کشور تنها کشور بنگلادش میزانی برابر مقدار بهینه دارد و سایر کشورها شکاف قابل‌توجهی با آن دارند. بنابراین با توجه اینکه اندازه دولت به شرایط آن کشور بستگی دارد و در ایران بالاتر از مقدار بهینه است، اقداماتی نظیر مدیریت منابع عمومی، افزایش کارایی از

طریق تمرکززدایی، هدفمندی نظام پرداخت ها و افزایش بودجه عمرانی جهت بهینه سازی اندازه دولت پیشنهاد می شود.

۸- اله مراد سیف (۱۳۹۱) در مقاله "الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران" بیان می کند تعابیر مختلفی در اقتصاد مقاومتی رایج شده است که نزدیک ترین آن تعبیر "فتریت اقتصادی" است که توسط بریگاگلیو^۱ بیان شده است و اشاره به توان سیاست ساخته یک اقتصاد برای بهبود (یا انطباق با) آثار شوک های برونزای مخالف دارد. بنابراین در این مفهوم دو موضوع توانایی برای بهبود سریع شوک های تخریب کننده و توانایی ایستادگی در برابر آثار مخرب مورد بحث قرار می گیرد. در این مقاله الگوی اقتصاد مقاومتی با توجه به بیانات مقام معظم رهبری با چهار مؤلفه اساسی رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فتریت اقتصادی پیشنهاد شده است. راهبردهای فتریت اقتصادی شامل راهبردهای بازدارندگی (مانند استفاده از ظرفیت کشورهای بی طرف، استفاده از طلا، بیمه داخلی کشتی های نفتی، توسعه مبادلات پایاپای تجاری)، راهبردهای مقابله و حمایت از تولید ملی با تأکید بر خودکفایی، حمایت از شرکت های دانش بنیان، بهبود فضای کسب و کار، اجرای اصل ۴۴، راهبردهای جذب و ترمیم و اصلاح الگوی مصرف مانند اصلاح الگوی بودجه ریزی عمومی و اصلاح نظام اداری و راهبردهای پخش و تضعیف جهت سهمیه بندی ارز، حامل های انرژی و منابع یارانه ای است که می بایست همزمان و متناسب با موارد مختلف به کار گرفته شوند.

۹- محمداقبر نوبخت (۱۳۹۱) در مقاله "مدل مفهومی اصلاح ساختار نظام بودجه ریزی کشور" با رویکرد بودجه اقتصادی و به روش بودجه ریزی عملیاتی و با استفاده از دستورالعمل آمارهای مالی دولت GFS، مدل پیشنهادی برای سند بودجه ارائه داده است که ویژگی های مطلوب بودجه ریزی را با معیارها و استانداردهای جهانی داراست. در این حالت با توجه به اسناد بالادستی نظام لایحه بودجه کل کشور مشتمل بر گزارش توجیهی - شامل اطلاعات شفاف از آخرین وضعیت کشور و عملکرد قانونی برنامه مستند به شاخص های کمی، سند بودجه اقتصادی - شامل چگونگی تحقق اهداف با توجه به شاخص های مفروض و آثار آن در زندگی مردم و سند بودجه عملیاتی شامل پیش بینی منابع مورد نیاز با استفاده از دستورالعمل GFS و نیز گزارش تفصیلی و شفاف از بودجه دستگاه های بخش عمومی که با استفاده از بودجه ریزی بر مبنای عملکرد تهیه می شود.

۱۰- سیدحسین میرمعزی (۱۳۹۱) در مقاله خود "اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه های مقام معظم رهبری" بیان می کند از دیدگاه رهبری نظام اقتصاد مقاومتی شکل

خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت تهدید اقتصادی نظام برانداز دشمن با تغییر اولویت‌ها و اهداف نظام اقتصادی و تغییر متناسب با آن در اصول راهبردی و سیاست‌های کلی نظام پدید می‌آید. در این حالت استقلال اقتصادی بر سایر اهداف اولویت می‌یابد و طبق آن برخی اصول مذهبی و راهبردی بازتعریف می‌شوند و همچنین جهاد اقتصادی بر مسئولان کشور و مردم واجب می‌شود و از این راه بستر مناسب برای نتیجه بخشی سیاست‌های کلی اقتصادی و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها فراهم می‌آید.

۱۱- مرتضی هزاوئی و علی زیرکی (۱۳۹۳) در مقاله "اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران" با تحلیل مفهوم رانت و اقتصادهای رانتی و تطابق آن با کشور ایران در دهه‌های گذشته بیان می‌کند ریشه مشکلات اقتصادی کشور ساختاری بوده و چاره کار اصلاح این ساختار است. در حال حاضر که وابستگی کشور ما به خارج کمتر شده است با مدیریتی صحیح در قالب راهبردهای اقتصاد مقاومتی می‌توان این تهدید را به فرصت تبدیل نمود و به استقلال اقتصادی دست یافت.

۳- مبانی نظری

در این بخش امور پایه ای که در اقتصاد اسلامی به عنوان موارد مصرف درآمدهای دولت اسلامی است مطرح می‌شود و در واقع هزینه های دولت بر اساس وظایف آن باید تخصیص یابد. از آنجا که اقتصاد مقاومتی شمایی از اقتصاد اسلامی است که در شرایط ویژه اقتضانات خود را می طلبد باید مشخص شود که منبع عمومی باید در چه اموری صرف شود و با توجه به شرایط کشور ارزیابی شود. عمده وظایف دولت در امور حاکمیتی، نظارتی، حمایتی، سیاستی و هدایتی است و جز در موارد خاص و ویژه تصدی گری اموری که بخش خصوصی قادر به انجام آن است را بر عهده نمی گیرد. این امر برای اقتصاد مقاومتی اصل مهمی است که دولت اسلامی دولتی تأثیرگذار با ساختار محدود است.

۳-۱- وظایف اقتصادی دولت اسلامی

۳-۱-۱- عدالت اقتصادی

بدون شک از مهم ترین اهداف تشکیل دولت تأمین عدالت اقتصادی است و آن بدون حضور دولت تحقق نمی‌یابد. تأمین عدالت از وظایف حمایتی دولت است و جوامعی که عدالت را از عملکرد بازار طلب می‌کردند هیچگاه نتوانستند آن را به درستی لمس کنند. تحقق عدالت اقتصادی به امور متعددی وابسته است. از آنجا که خروج از عدالت اقتصادی به تبعیض در استفاده از امکانات عمومی و منابع طبیعی، گسترش فقر، اجحاف در قیمت‌ها و ایجاد فاصله طبقاتی و امور دیگر وابسته است در مکتب اسلام راه‌های متعددی برای تحقق عدالت اقتصادی تعبیه شده است.

۱-۱-۳- ایجاد فرصت برابر در استفاده از انفال و منابع عمومی

ثروت‌های طبیعی که در اختیار امام، دولت و بخش عمومی است برای عموم مردم جعل شده و همه در آن سهیم هستند. دولت فرصت برابر برای همه قرار می‌دهد تا بتوانند با کارکرده از آن منابع بهره‌برداری کنند. بیت‌المال باید برای همه مردم اختصاص یابد و همه در استفاده از آن مساوی هستند. در زمان صدر اسلام پس از صرف بیت‌المال در امور معین مازاد بیت‌المال بین تمام مردم توزیع می‌شد. سیاست پیامبر آن بود که به‌طور مساوی میان مسلمانان تقسیم شود و تفاوتی میان تازه‌مسلمان و مسلمانان اولیه قرار نمی‌داد.

۲-۱-۳- رفع فقر و ادای دین بدهکار ناتوان

کسانی که توان کار ندارند، ولی برای مخارج عادی زندگی نیاز به درآمد دارند دولت همچون اغنیاء وظیفه دارد درآمد متناسب با وضعیت آنها به آنان اختصاص دهد و فقر آنان را مرتفع سازد (الصدر، ۱۴۱۷: ۶۶۹-۶۶۲). زوال سایه شوم فقر از جامعه از مهم‌ترین راهبردهای تحقق عدالت اقتصادی است. فقر در حدی به حال شخص و جامعه مضر است که پیامبر آن را همسایه کفر می‌داند. بدهکاران که توان پرداخت بدهی خود را ندارند و در ضیق و سختی هستند از بیت‌المال به آنها کمک می‌شود.

۳-۱-۳- مراقبت از حقوق کارگران و کشاورزان

از آخرین سفارش‌های پیامبر قبل از ارتحال به امیرمؤمنان این بود که بر منبر اعلام عمومی کند که هر کس اجرت کارگر را کم کند جایگاه خود را در جهنم مهیا سازد، و به امام سفارش کرد که مبادا به کشاورزان و کارگران در حضور او ظلم شود و بیش از مالیات که بر زمین قرار داده شده از آنان گرفته شود (الصدر، ۱۴۱۷، ص ۴۹۵). گرچه دولت باید کار مردم را به خود آنان واگذارد و از دخالت خودداری کند، ولی با بی‌توجهی به روابط اقتصادی میان آنان باعث ظلم به کسانی می‌شود که در شرایط سختی قرار دارند. در شرایطی که بیکاری در جامعه فراگیر است، کارفرمایان معمولاً برای کسب سود بیشتر دستمزد کمتری می‌پردازند و از وضعیت بازار سوءاستفاده نموده و حقوق افراد را نمی‌پردازند. دولت برای تعیین دستمزد و یا تعیین حداقل آن راه‌های مختلفی پیش رو دارد؛ مثل تعیین آن در بازار کار بخش عمومی و سرایت آن به بخش خصوصی و یا تعیین آن به‌صورت قانون (رضایی، ۱۳۸۳: ۱۳۰-۱۲۵).

۴-۱-۳- نظارت بر بازار

نظارت بر بازار و ممانعت از اقدامات ظالمانه که مانع تحقق قیمت عادلانه می‌شود مثل احتکار، رباخواری، انحصار در خرید یا فروش و مشابه آن از وظایف دولت است. تحقق عدالت اقتصادی در بازار مبتنی بر تحقق قیمت عادلانه است و هر امری که باعث می‌شود مسیر طبیعی تعیین قیمت

انحراف پیدا کند باید ناپود شود. قیمت احتکاری قیمت ظالمانه است و دولت برای تحقق عدالت اقتصادی باید نظارت بر قیمت‌ها را مدنظر قرار دهد. البته پیامبر و امام که مانع احتکار می‌شدند قیمت کالا را تعیین نمی‌کردند و آن را به عوامل واقعی بازار می‌سپردند (حکیمی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۹۴).

مشابه احتکار که نوعی انحصار در توزیع است وجود انحصار در تولید (خرید یا فروش) است. انحصار نیز باعث تغییر قیمت‌های تعادلی می‌شود و باعث خروج تعدادی متقاضی و تعیین قیمت‌های بالاتر است که هرگاه باعث ایجاد قیمت‌های کاذب شود باید رفع شود. البته گاه انحصار به صورت طبیعی وجود دارد و رفتار انحصارگرایانه شکل نمی‌گیرد (رضایی ۱۳۷۷: ۷۹-۸۴).
 ربا از اموری است که برخلاف عدالت و به تعبیر قرآن ظلم است (بقره: ۲۷۹). همچنین هر عاملی که باعث شود معاملات از مسیر طبیعی خارج شود مثل بیع مضطر، فروش کالاهای تولیدکنندگان اطراف شهر توسط تجار شهر، غش در معامله، خرید و فروش کالا با کیفیت پایین بخصوص کالاهای خوراکی و بهداشتی؛ که این امور تماماً تحت نظارت دولت قرار می‌گیرد. بازار اسلامی چه در زمان پیامبر و یا امیرمؤمنان کاملاً تحت نظارت بوده و متخلفان مورد بازخواست قرار می‌گرفتند (الصدر، ۱۴۱۷: ۶۵۲-۶۴۹). وظیفه اصلی دولت در مسائلی که بر عهده بخش خصوصی است، نظارت و هدایت و کمک به شفاف‌سازی و جلوگیری از انواع رانت‌خواری غیرصحيح است.

۵-۱-۳- ایجاد زمینه مناسب برای اشتغال بیکاران

دولت باید باتوجه به امکانات گسترده‌ای که در اختیار دارد (دارایی‌ها، درآمدهای مالیاتی) و اختیاراتی که در حوزه اقتصاد دارد (سیاست‌گذاری، جعل قوانین و مقررات و ...) برای پدیده شوم بیکاری که آثار بسیار منفی بر فرد و جامعه دارد و زمینه انحرافات اجتماعی و عقب‌ماندگی اقتصادی می‌شود، راه‌حلهایی را پیش بگیرد و با اعطای بخشی از دارایی‌های عمومی به بیکاران زمینه اشتغال آنها را فراهم کند. نقل شده که پیامبر برای فرد فقیری تیشه‌ای تهیه کرد تا بتواند خارکنی کند و نیاز خود را برطرف سازد (مجلسی، ۱۳۷۵؛ ج ۱۰۳، ص ۱۰).

این امور ضمن ایجاد اشتغال برای بیکاران از ایجاد انحصار برای صاحبان سرمایه و کاهش سهم نیروی انسانی جلوگیری می‌کند و جامعه را به عدالت نزدیک‌تر می‌سازد (الصدر، ۱۴۲۱، ص ۹۴).

۶-۱-۳- توازن اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی

اگر جامعه به حال خود گذاشته شود حتی در بازار رقابتی شرایط به‌گونه‌ای رقم می‌خورد که به تدریج انحصار رخ می‌دهد و برخی از بازار خارج می‌شوند. برای کاهش فاصله درآمدی می‌بایست علاوه بر حمایت از طبقات پایین جامعه و تأمین حداقل معیشت برای همه، از درآمد قله‌های جامعه کاست و فاصله را کاهش داد. دولت می‌تواند مالیات متغیر حکومتی برحسب شرایط تعیین کند تا

صاحبان درآمد بسیار بالا هرچه بیشتر در امور عمومی مشارکت کنند. البته جلوگیری از برخی روش های کسب درآمد مثل ربا، احتکار و مراقبت بر وضعیت بازار نیز از عوامل ایجاد توازن و کاهش فاصله طبقاتی است (الصدر، ۱۴۲۱: ۱۱۸-۱۱۲).

میزان و نحوه امر مذکور به شرایط زمانی و مکانی مرتبط است. نوع نگاه عموم مردم نسبت به نابرابری و ایجاد پیامد التهاب اجتماعی در کیفیت آن موثر است. البته اگر شیوه های تولید ثروت و فرصت برابر برای همه وجود داشته باشد، موارد دخالت دولت برای ایجاد توازن بسیار کم خواهد شد ولی در شرایط همچون امروز ایران گاه جامعه طلب می کند که دولت نسبت به فاصله طبقاتی واکنش نشان دهد و با وضع مالیات های تصاعدی نسبت دهک بالا به پایین متوازن می گردد. توجه به ضریب اتکینسون که درک از نابرابری اجتماعی را در میزان شاخص نابرابری توزیع درآمد دخیل می داند تاحدی راهگشاست (کونولی و مونرو؛ ج ۲، ص ۳۶۴).

۲-۱-۳- امنیت اقتصادی

حمایت از مالکیت و کار شرافتمندانه، و حفظ اموال مردم از تجاوز و سرقت از نشانه های اصلی امنیت اقتصادی و از وظایف حاکمیتی دولت است. مردم برای کار در محیط اسلامی باید مطمئن باشند که اگر از طریق قانونی به ثروت دست پیدا کردند و حقوق قانونی و اجتماعی را پرداخت کردند از آنچه در اختیار آنها می ماند می توانند باکمال آرامش استفاده کنند و کسی حق تعرض به اموال آنها را ندارد. قوانین و مقررات می تواند امنیت ایجاد کند و با اجرای کامل و نظارت بر آن امنیت به جامعه داده شود. جامعه دارای امنیت جامعه ای است که متخلف از قوانین تنبیه و رفتار مطابق قانون تأیید شود. اگر از کسی حقی ضایع شد باید به او برگردانده شود. امیرمؤمنان در نامه به مالک اشتر از پیامبر نقل کرده اند که از آن حضرت کراراً شنیدم: لَنْ تَقْدَسَ أُمَّه لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوَى غَيْرِ مُتَّعْتِعٍ (رضی، نامه ۵۳، ص ۴۳۹).

"جامعه ای که در آن حق ضعیف بدون لکنت زبان از قوی بازستانده نشود مقدس نیست". امنیت راهها برای نقل و انتقال کالا، امنیت در بازار پولی و ممانعت از جعل پول های جعلی و سکه های مغشوش و جعل اسناد از امور لازم برای هر جامعه است. ابن خلدون تأکید می کند که اگر حاکم مهربان باشد مردم فعالیت گسترده ای برای آبادانی انجام می دهند. ولی اگر به اموال مردم تجاوز شود انگیزه کار مردم از بین می رود و بازارها کساد گشته و آبادانی و رونق شهرها کاسته می شود، منطقه خالی از فعالان اقتصادی شده و شهرها رو به ویرانی خواهد گذاشت و این وضعیت به دولت هم سرایت می کند (ابن خلدون: ۲۸۶ و ۲۸۷).

۳-۱-۳- گسترش عمران و آبادی

عمران و آبادانی وظیفه انسان بر روی زمین است. هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (هود، ۶۱):

او شما را از زمین پدید آورد و از شما آبادی در آن را خواست. این وظیفه بر دوش تمام افراد نهاده شده است. دولت نیز باید در این راستا حرکت کند و تصمیمات و سیاست‌های خود را برای عمران و آبادی شهرها، روستاها بسیج کند و از همکاری با مردم برای احیاء و عمران کوتاهی نوزد. امیرمؤمنان در صدرنامه به مالک اشتر یکی از وظایف چهارگانه برعهده مالک را عمارت بلاد ذکر کرده‌اند (جبايه خراجها و جهاد عدوها و استصلاح أهلها و عماره بلادها: جمع‌آوری خراج، جنگ با دشمن، اصلاح مردم و آبادی شهرها). دولت می‌تواند برای آبادی زمین از توانایی‌های مردم استفاده کند و با مدیریت و تصمیم‌سازی زمینه آبادی کشور را فراهم کند. در سیاست مالیاتی باید مقدار نرخ مالیات‌های متغیر یا اجاره بر زمین‌های دولتی و غیر آن در حدی باشد که به تولید ضرر وارد نیاید. سیاست تعرفه‌ای در ارتباط با واردات و صادرات، حمایت یارانه‌ای از تولیدات ضروری، کمک به بخش خصوصی در بالا بردن تولید همگی باید در راستای گسترش عمران و آبادی با تکیه بر دیگر اهداف باشد. مهم زمینه‌سازی برای فعالیت بخش مردمی است. ولی در شرایط ضروری اگر مردم به امری قیام نکردند دولت می‌بایست هزینه کند. انجام برخی امور اقتصادی که جز به هزینه و تصمیم دولت صورت نمی‌گیرد نیازمند دخالت و تصدی‌گری دولت است. ساخت راه‌ها، سدها، دژهای دفاعی، بندرها، پل‌ها و دیگر امور زیر بنایی باید توسط دولت ساخته شود. پیامبر محلی را برای بازار اختصاص دادند و زمین‌هایی را برای خانه‌سازی تقسیم کردند، به پیکنامه توجه ویژه داشته و برای گسترش راه‌ها و رفع موانع معابر تلاش می‌نمودند. در زمان فتح عراق ساخت دو شهر کوفه و بصره توسط دولت صورت گرفت. در مصر بخشی از درآمد بیت‌المال به ساخت پل، ترعه و ترمیم شبکه‌های آبرسانی اختصاص یافت. حفر ترعه میان فسطاط و بندر سوئز برای تردد کشتی میان حجاز و مصر از اقدامات مهم در دوره خلیفه دوم بود (الصدر، ۱۴۰۶).

دولت‌ها عمدتاً احداث پل‌ها، جاده‌ها و دیگر تأسیسات زیربنایی را برای امور نظامی به عهده می‌گرفتند. در کشورهایی که آب از مشکلات اساسی است (مثل مناطق شرقی) توسعه شبکه‌های آبرسانی و حفر قنات نیازمند مدیریت و یاری دولت بوده است. دولت باید تلاش کند با مدیریت از توانایی‌های مردمی استفاده کند و به آنها یاری رساند ولی آزادی آنها از بین نرود. در مورد سرمایه‌گذاری‌های زیر بنایی و مواردی که بخش خصوصی امکان عمل یا انگیزه آن را ندارد، بخش دولتی به‌ناچار باید اقدام کند. دولت علوی در ساخت امور زیر بنایی از مردم کمک می‌گرفت. از نمونه‌های آن درخواست گروهی از مردم بهقیادات است که از کارگزار حضرت قرظه بن کعب انصاری درخواست حمایت و کمک مالی در لایروبی نهر کردند (ذاکری، ۱۳۷۸؛ ج ۱، ص ۱۷۸).

۴-۱-۳- رفاه عمومی و توسعه و پیشرفت اقتصادی

بهره‌مندی بیشتر از نعمت‌های الهی و برخورداری از رفاه و آسایش و ایجاد رشد و توسعه اقتصادی

در کنار دیگر اهداف می تواند هدف تصمیم گیری و سیاستگذاری دولت باشد. جامعه اسلامی در ابتدای تشکیل روز به روز وضعیت بهتری برای مردم ایجاد کرد. اموال عمومی به هر مقدار افزوده می شد بین افراد جامعه تقسیم می شد (ری شهری، ۱۴۲۱؛ ج ۴: ۲۰۰-۱۹۰).

اصولاً دوام دولت بدون وجود درآمدهای زیاد و سرمایه گذاری فراوان و تحقق رفاه عمومی صورت نمی گیرد. داشتن قدرت دفاعی در حدی که دشمن مأیوس از حمله به کشور باشد، داشتن مالیات های زیاد برای توزیع بین نیازمندان و تحقق عدالت اقتصادی، گسترش امور زیربنایی، تحقیقات و علوم و فنون که همه از اهداف اصلی تشکیل نهاد دولت است بدون توسعه اقتصادی و افزایش رفاه عمومی و درآمدهای جامعه میسر نیست.

۵-۱-۳- تحقق استقلال اقتصادی و قدرت چانه زنی برتر

از آنجایی که عدم استقلال اقتصادی باعث ضرر و زیان جامعه می شود و عملاً جامعه تحت سلطه بیگانه قرار می گیرد و این با اصل استقلال نظام تنافی دارد مجموعه تدابیر و سیاست های اقتصادی باید به سمت تحقق استقلال اقتصادی باشد. البته بر همگان معلوم است که استقلال اقتصادی با خودکفایی به معنای تولید تمام نیازهای کشور در داخل متفاوت است. مهم آن است که قدرت خارجی نتواند بر امور داخلی سلطه پیدا کند. چه بسا کشوری اکثر کالاهای خود را از خارج از مرز تهیه کند ولی در شرایطی قرار گرفته که از قدرت چانه زنی بالایی برخوردار است. استقلال اقتصادی مدنظر اسلام کاملاً با برقراری ارتباط با جهان خارج هماهنگ است.

اهداف ذکر شده همه از اهمیت زیادی برخوردار هستند و اگر به تمام احکام دینی عمل شود تمامی اهداف تحقق می یابد ولی ممکن است گاه برخی نسبت به دیگر امور مقدم شود بدون شک عدالت و امنیت دو هدف مهم است که نسبت به دیگر اهداف در اولویت هستند.

۲-۳- معیارهای تصمیم گیری دولت

باتوجه به شرایطی که برای انتخاب کارگزاران دولتی در متون دینی (مانند برخورداری از صلاحیت ایمانی، علمی، اجتماعی و توانایی اجرایی) مطرح شده چنانچه اعتقادات و باورهای دینی تقویت شود و رهبران اصلی نظام خود عامل به حدود و قوانین دینی باشند تصمیم گیری بخش دولتی براساس معیارهای زیر صورت می گیرد. این معیارها را از مجموع مطالب دینی به دست می آید (ر. ک: رضایی دوانی، فصل دوم و هفتم).

۱-۲-۳- اصل مصلحت عمومی

تصمیم گیری دولت براساس تشخیص مصالح عامه است. منافع ملی و عمومی اساس تصمیم گیری است.

۲-۲-۳- اصل معنویت

تصمیم‌گیری دولت باید در جهت ارتقاء امور معنوی باشد و به هیچ وجه ضرری به آن وارد نسازد.

۳-۲-۳- اصل محبت به مردم

رابطه دولت و مردم رابطه خدمتگزاری است نه ریاستی، حاکم همچون پدر رئوف و کارگزاران وکلای مردم هستند که باید برای اغراض معقول و متعارف آنها عمل کنند. اموال در اختیار دولت برای خدمت و رفاه آسایش مردم است.

۴-۲-۳- اصل اعتماد

دولت و بخش خصوصی رقیب همدیگر نیستند. بلکه باید شرایطی ایجاد شود که به همدیگر اعتماد داشته و کمک همدیگر باشند و منافع جامعه را تضمین کنند.

۵-۲-۳- اصل صرفه‌جویی و استفاده بهینه از منابع و اموال عمومی

در نظام اسلامی دارایی‌ها و منابع متعددی از ابتدا در اختیار حاکم و بخش عمومی قرار گرفته است. حاکم می‌تواند برحسب مصالح برای انجام و اداره آن از شیوه‌های واگذاری، تصدی‌گری، اجاره، مشارکت و یا غیر آن استفاده کند. خراج درآمد حاصل از برخی زمین‌های آباد است که به اشخاص واگذار شده است. درآمد سرشار آن در طول سال‌ها بهترین وسیله تأمین بیت‌المال اسلامی بوده است (رضایی، ۱۳۷۳).

برای تخصیص بهینه و جلوگیری از اسراف و تبذیر و رعایت اعتدال و میانه‌روی می‌بایست از روش‌های علمی بهره گرفت و از افراط و تفریط جلوگیری کرد. هر روشی که بتواند با کمترین هزینه بیشترین بازدهی را تحقق بخشد، روش مطلوب است و از نظر شرعی بر دیگر روش‌ها اولویت دارد. عقل بشری در تصمیم‌گیری مربوط به جامعه منافع عموم را بر منافع افراد خاص، تأمین مصلحت دائمی و طولانی‌مدت را بر مصلحت کوتاه و زودگذر، مقدم می‌دارد. دل‌خوش کردن به تأمین نیازهای زودگذر (به غیر از نیازهای ضروری و ضامن حیات انسان) و غفلت از ریشه‌دار کردن توانمندی اقتصادی باعث ایجاد ضررهای زیاد خواهد شد. عقل انسان در تزامم تأمین نیازهای گوناگون به اولویت‌سنجی می‌پردازد. امروزه بودجه‌بندی دولت با توجه به اهداف و نیازهای متعدد، نیازمند بهره‌گیری از روش‌های علمی برای تخصیص بهینه است. نکته قابل توجه اینکه در مدل‌های مورد استفاده باید هماهنگی آن با اهداف و نیازهای جامعه اسلامی تأیید شود.

استفاده از اموال عمومی باید با دقت تمام صورت گیرد و از هرگونه اسراف و تبذیر خودداری شود. منابع عمومی باید در حد و اندازه موردنیاز به کار گرفته شود. امیرمؤمنان به کارگزاران خود توصیه اکید می‌کند که در نوشتن نامه خطوط را به هم نزدیک کنند و به مطالب ضروری اکتفا شود

و از درشت نوشتن که باعث استفاده بیجا از کاغذ می شود خودداری کنند، چراکه اموال مسلمین تحمل ضرر را ندارد؛ البته به دبیر خود عبیدالله بن ابی رافع دستور می دهد که با خط خوش و زیبا نامه ها را بنگارد فرمود: **أَلِقْ دَوَاتِكْ وَ أَطِلْ جَلْفَه قَلْمِكْ وَ فَرِّجْ بَيْنَ السُّطُورِ وَ قَرِّمِطْ بَيْنَ الْحُرُوفِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَجْدَرُ بِصَبَاحَةِ الْخَطِّ** (رضی، حکمت ۳۱۵، ص ۵۳۰): در دوات ليقه بینداز، نوک قلم را بلند بگیر. میان سطرها فاصله قرار ده و حروف را نزدیک هم بنویس که این امور خط را زیبا می کند. بنابراین ضمن توجه به اینکه اسناد دولتی باید به گونه ای نوشته شود که دیگران بتوانند به راحتی از آن استفاده کنند در مصرف مواد و بیت المال باید نهایت دقت صورت گیرد.

۶-۲-۳- اصل شفافیت و وضوح در تصمیم گیری و تقنین

آنچه را دولت بنا دارد عمل کند جز در امور امنیتی که مصلحت عمومی اقتضای اختفاء دارد، باید به صورت دقیق و واضح به اطلاع مردم برسد تا هر کس دایره عمل خود را تشخیص دهد. قوانین به گونه ای وضع شود که از ارتکاب تخلف جلوگیری کند و مردم مجبور به تخلف نشوند و مردم برای فهم آن نباید دقت زیادی صرف کنند که این نوعی اسراف است.

۷-۲-۳- اصل کاهش تصدی گری

امر فوق همیشه مورد تأکید بوده و تجربه بشری نیز آن را تأیید می کند که دولت سالاری به حال مردم مضر است. ابن خلدون سلاطین را بر حذر می دارد که به امر تجارت و کشاورزی اشتغال داشته باشند، چراکه به مردم ضرر وارد می شود. زیرا سلطان اموال بسیاری دارد و می تواند با قدرت مالی و قدرت نظامی بازار را از وضعیت عادی خارج سازد و افراد نمی توانند از نوسانات بازار بهره گیری کنند. انحصار دولت در خرید و فروش کالاهای غیر عمومی مشکلات عدیده ای را برای مردم ایجاد می کند و این امور باعث کساد کار تجارت و کشاورزی شده به تدریج مالیات این بخش کاهش می یابد و افراد از حضور در بازار خودداری می کنند (ابن خلدون، ص ۲۸۱).

۸-۲-۳- اصل ذخیره سازی

از جمله شیوه های پیامبر اکرم اسلام در تخصیص بیت المال عدم ذخیره کردن آن و تسریع در صرف آن و تأمین نیازهای ضروری بود. در زمان پیامبر نیازهای ضروری متعددی وجود داشت که باید تأمین می شد. همچنین سطح معیشت یاران پیامبر در حد پایین بود و لذا تلاش می کردند تا با توزیع اموال عمومی وضعیت مالی آنان را بهبود ببخشد و مشکلات سال های متمادی را برطرف سازند، بویژه آنکه بخش مهمی از یاران پیامبر را فقرا و بردگان آزاد شده و یا کسانی که اموال خود را در مکه از دست دادند تشکیل می دادند. نکته دیگر آنکه رفتار پادشاهان و دولتمردان ساسانی و یا رومی آن بود که اموال زیادی را نزد خود و برای تأمین هزینه های دربار ذخیره می کردند و به جای

صرف آن در امور ضروری جامعه و ارتقاء سطح درآمدی مردم، وضعیت مالی خود را بهبود می‌بخشیدند، و اموال متعددی را برای خود و خانواده اختصاص می‌دادند. بدون شک آنچه پیامبر گرامی درباره‌ی عدم ذخیره کردن بیت‌المال عمل می‌کردند برای جلوگیری از گسترش چنین رفتاری بود.

چنانچه دولت هزینه‌های موردنیاز را تأمین کند وضعیت عموم مردم بهبودیافته و رابطه مردم و دولت بهبود می‌یابد و شرایط به‌گونه‌ای نمی‌شود که مردم مجبور به قیام و خلع خلیفه از قدرت شوند و یا آنکه دولت برای حفظ وضع موجود به استبداد رو آورد. در واقع درآمد سالیانه برای هزینه‌های سالیانه است. لازم نیست برای سال‌های بعد ذخیره کرد. البته اگر تأمین مالی امری محتاج به پس‌انداز باشد و یا برای شرایط اضطراری مثل جنگ، زلزله و مانند آن دولت باید درآمدهای ویژه‌ای را برای هزینه‌های احتیاطی نگهدارد، این امور منافاتی با سیاست پیامبر اکرم ندارد. زیرا ایشان در شرایطی که هزینه ضروری وجود داشت و اموالی در اختیار نداشت قرض می‌گرفت. حال اگر دولت برای هزینه ضروری سال آینده و جلوگیری از استقراض، بخشی از اموال را نگهداشته تا در هنگام آن محتاج به قرض نباشد این راه صحیح است. البته هزینه ضروری امسال مقدم بر هزینه ضروری سال آینده بوده و باید اولویت‌سنجی صورت گیرد و شدت ضرورت و اهمیت هر یک معلوم شود، تا بر اساس آن تصمیم‌گیری صورت گیرد. برنامه ریزی یوسف پیامبر برای تأمین آذوقه در سالهای قحطی و رفاه نمونه‌ای از این امر است. ذخیره در سالهای حاصلخیز برای سالهای قحطی از اقدامات حکیمانه و ویژه یوسف پیامبر بود که در قرآن خداوند از آن به عنوان راه صحیح برخوردار از مکننت و قدرت در زمین نام برده است (یوسف، آیه ۴۹-۴۷ و ۵۶).

۹-۲-۳- اصل عدم اسراف و تجمل در تأمین هزینه کارگزاران دولتی

استفاده از اموال عمومی باید در چارچوب معین صورت گرفته و دست مسئول در صرف اموال برای خود باز نباشد. در حدیثی از پیامبر نقل شده که مردی را به کاری واداشت. وقتی از حوزه مأموریت برگشت مقداری از اموال را برداشت و گفت این اموال به من هدیه داده شد. حضرت در سخنرانی خود اعلام کرد: چرا عملی که می‌فرستیم می‌گویند این اموال به من هدیه شده آیا اگر در خانه خود نشسته بود به او هدیه می‌دادند. سوگند به خدا این افراد در حالی در قیامت محشور می‌شوند که اموال برگردن او سنگینی کند (ابوعبید، ۱۴۰۶، ص ۳۲۷۹).

عمال حکومتی حق برداشت بیش از سهم خود را ندارند. پیامبر خود به مقدار کمی اکتفا می‌کرد. این امر آن قدر واضح و روشن بود که دو خلیفه بعدی هم برای خود اموال محدودی اختصاص داده و اجازه استفاده به بستگان خود را نمی‌دادند. متأسفانه فکر اموی در دوره‌ی خلیفه سوم حاکم شد و عمال حکومتی برای خود اموال بسیاری ذخیره کردند. امیرمؤمنان با روش خود تلاش کرد سیره

پیامبر را احیاء کند. زهد حضرت و نامه همراه با عتاب ایشان به عثمان بن حنیف مشهور است (رضایی، ۱۳۸۰).

او نه تنها از اموال عمومی برداشت نمی کرد، بلکه بخش مهمی از اموال شخصی را نیز میان مردم تقسیم می کرد. جریان عاریه گرفتن گردنبندها بیت المال توسط دختر حضرت و عتاب حضرت به علی بن ابی رافع کاتب و خزانه دار بیت المال و قضیه برخورد با عقیل نمونه هایی از این موارد است (مجلسی؛ ج ۴۰: ۳۳۷، ۳۳۸ و ۳۴۷ و رضی، خطبه ۲۲۴).

در هر صورت در امر هزینه های مربوط به مسئولان باید به مقدار ضروری اکتفا شود و این اصل مهم و اساسی در صرف بیت المال است. برای مردم قابل پذیرش نیست که مدیران دولتی از بیت المال و مالیات زندگی مرفهی برای خود تدارک کنند.

۴- هزینه ها و وضعیت فعلی کشور

هزینه هایی که از سوی دولت در مقابل دریافت کالا و خدمات پرداخت می گردد، هزینه های بخش عمومی نامیده می شود که به دو دسته تقسیم می شوند:

۱. هزینه های اداری و اجرائی: به هزینه هایی که برای نگهداری از اموال منقول و غیر منقول و ایجاد تسهیلات لازم برای اجرای عملیات یا نظارت بر یک مکان مشخص می گویند که برای مثال شامل مواردی همچون هزینه های مأموریت، حمل و نقل، ارتباطات، اجاره، خدمات قراردادی عام و خاص، لوازم و موارد مصرف شدنی و هزینه هایی که به تشخیص مقامات انجام می گیرد می باشد.
۲. هزینه های عمومی اقتصادی که شامل سه دسته است:

- هزینه های سرمایه ای: هزینه هایی هستند که در آینده موجب درآمد برای کشور می گردند و شامل وسایل و تجهیزات اداری و طرح های عمرانی می باشند.
- هزینه های جاری: که در زمان مصرف منافی را ایجاد می کنند ولی سود مستقیمی در آینده ندارند. این هزینه در بودجه کشور شامل جبران خدمات کارکنان، استفاده از کالا و خدمات، هزینه های اموال و دارائی، پارانه، کمک بلاعوض، رفاه اجتماعی و سایر هزینه های می باشند.
- هزینه های انتقالی شامل هزینه هایی است که از سوی دولت به صورت یک طرفه به اقشار آسیب پذیر و یا واحدهای مشخص در قانون پرداخت می شود و انواع مختلفی از جمله کمک و اعانه بخش عمومی، کمک و اعانه به شرکت خصوصی، بازپرداخت وام و دیون را شامل می شود.

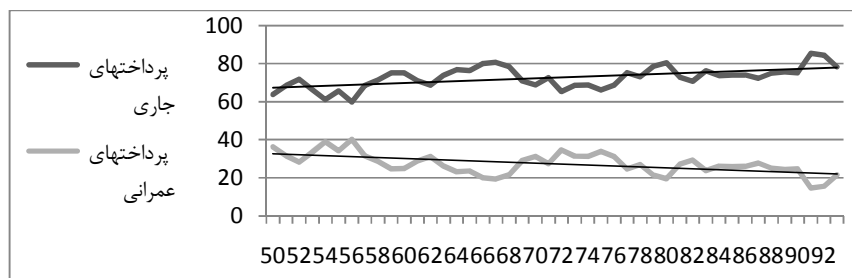
علاوه بر این، بخش عمومی شامل سایر مؤسسات و نهادهای عمومی کشور مانند شهرداریها، شرکت‌های دولتی، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و غیره نیز است که در طرح بحث و رسیدن به هدف مقاله که صرفه‌جویی در هزینه‌های بخش عمومی است بایست به آنها نیز توجه کافی صورت گیرد.

البته باید به این نکته نیز توجه نمود که در نگاه کلان به هزینه‌های عمومی کشور، برخی عوامل و عناصر باعث افزایش و ازدیاد هزینه‌های فعلی بخش عمومی می‌گردند و به‌صورت غیر مشهود در میان ارقام بودجه وجود دارند. برای مثال می‌توان از هزینه‌هایی نام برد که ناشی از تصمیمات اشتباه گذشته است که این مسئله خود را در پروژه‌های ناتمام عمرانی به‌وضوح نشان می‌دهد. زیرا تأخیر سالیانه در انجام و اتمام هر پروژه عمرانی هزینه گزاف‌تری را بر دوش دولت قرار می‌دهد. و یا مسئله تأمین آب برای مصارف مختلف که امروز کشور با بحران آن مواجه است ناشی از تصمیمات غیرکارشناسانه و مدیریت ضعیف منابع در گذشته می‌باشد.

اما در این‌بین نوع دیگری از هزینه‌های غیرمشهود وجود دارد که مربوط به آینده است یعنی دولت در حال حاضر هزینه‌ای را برای آن کمتر از مقدار بهینه انجام می‌دهد و در آینده مجبور خواهد بود هزینه‌های بالاتری را برای رساندن آن به شرایط مطلوب انجام دهد. محیط‌زیست شامل نگهداری از جنگل‌ها، مراتع، دریاها و دریاچه‌ها، رودها، حیات وحش و هوای سالم از جمله این موارد است. همچنین عدم سرمایه‌گذاری در پروژه‌های خاص عمرانی و یا افزایش بازدهی و کارایی پروژه‌های فعلی، باعث می‌شود که دولت‌های آینده هزینه‌های بیشتری برای کسب درآمد از پتانسیل‌های فعلی درآمدی مصرف نمایند. برای مثال می‌توان به عدم سرمایه‌گذاری در پروژه‌های ازدیاد برداشت از مخازن نفتی، سرمایه‌گذاری‌های ناچیز در کسب بازارهای کشورهای منطقه و نیز عدم اهتمام جدی دولت برای ایجاد بانک اطلاعاتی کامل مالیاتی که به‌مرورزمان شرایط و مقاومت برای ارائه آن سخت‌تر و پرهزینه‌تر می‌گردد و موارد مشابه دیگر اشاره کرد.

در زیر نمودار پرداخت‌های جاری و عمرانی دولت در بازه سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۵۰ برحسب سهم هریک از کل هزینه‌ها با استفاده از داده‌های بانک مرکزی نشان داده شده است:

نمودار ۱: پرداخت های جاری و عمرانی دولت در بازه ۱۳۹۳-۱۳۵۰ برحسب درصد هر یک از کل هزینه ها



منبع: نتایج تحقیق با استفاده از داده های بانک مرکزی

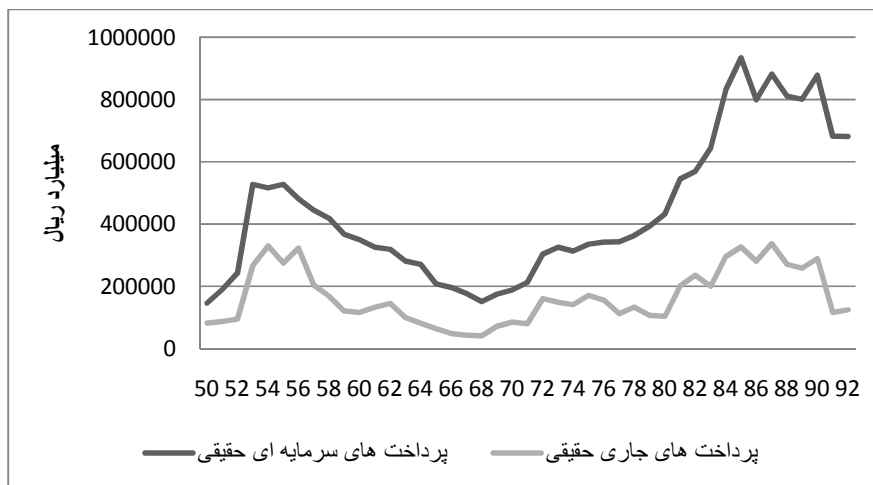
همانطور که در نمودار فوق و روند خطی آن مشخص است طی دهه های اخیر سهم هزینه کرد دولت در بخش مخارج عمرانی رو به کاهش است به طوری که در بودجه مصوب سال ۱۳۹۳ به ۲۱٪ از کل بودجه عمومی دولت می رسد. لازم به ذکر است سهم مذکور بر اساس آمارهای سال ۲۰۰۳ بیش از میانگین پرداختی های عمرانی در سایر کشورهای در حال توسعه بوده است (حسینی، غیبی و فدایی، ۱۳۸۴). البته لازم به ذکر است که این میزان با توجه به نیاز کشور به ایجاد زیرساخت های اقتصادی و عمرانی به منظور توسعه و افزایش درآمدهای کشور و نیز فراوانی منابع سرشار هیدروکربوری و معدنی مقدار نامناسبی به نظر می رسد.

جدول ۱: پرداخت‌های جاری و عمرانی دولت در بازه ۱۳۹۳-۱۳۵۰ برحسب مقدار اسمی (میلیارد ریال)

سال	پرداخت های جاری	پرداخت های عمرانی	سال	پرداخت های جاری	پرداخت های عمرانی	سال	پرداخت های جاری	پرداخت های عمرانی
۱۳۵۰	۲۰۴.۴	۱۱۶	۱۳۶۵	۲۴۱۰.۳	۷۴۶.۵	۱۳۸۰	۱۰۰۹۱۸.۲	۲۴۳۷۹.۵
۱۳۵۱	۲۸۶	۱۳۱.۸	۱۳۶۶	۲۹۱۱.۴	۷۲۹.۲	۱۳۸۱	۱۴۷۵۷۲.۳	۵۴۷۵۳
۱۳۵۲	۴۱۲.۸	۱۶۲	۱۳۶۷	۳۳۹۴.۲	۸۱۶.۴	۱۳۸۲	۱۷۸۲۵۵.۲	۷۳۷۹۹.۷
۱۳۵۳	۱۰۰۳.۲	۵۰۸.۱	۱۳۶۸	۳۳۸۵.۲	۹۳۱.۵	۱۳۸۳	۲۳۱۹۲۳.۱	۷۳۳۰۶.۳
۱۳۵۴	۱۰۸۳.۵	۶۹۲.۴	۱۳۶۹	۴۲۸۴.۸	۱۷۶۶.۳	۱۳۸۴	۳۳۰۸۸۴.۱	۱۱۷۶۳۸.۷
۱۳۵۵	۱۳۱۸.۹	۶۸۷.۳	۱۳۷۰	۵۵۶۳.۸	۲۵۲۷	۱۳۸۵	۴۱۵۷۸۸.۱	۱۴۵۵۷۱
۱۳۵۶	۱۴۹۱.۱	۱۰۰۱.۱	۱۳۷۱	۷۸۰۸	۳۹۴۸.۸	۱۳۸۶	۴۲۱۲۸۴.۷	۱۴۷۷۵۱.۹
۱۳۵۷	۱۵۱۲.۷	۶۹۵.۱	۱۳۷۲	۱۳۶۵۴.۷	۷۲۳۲.۲	۱۳۸۷	۵۸۲۷۲۳.۴	۲۳۳۰۱۸.۷
۱۳۵۸	۱۵۸۸.۸	۶۳۹.۱	۱۳۷۳	۱۹۸۴۱.۱	۹۰۷۱.۳	۱۳۸۸	۵۹۳۷۸۳.۹	۱۹۸۱۷۳.۱
۱۳۵۹	۱۷۳۷.۹	۵۷۰.۵	۱۳۷۴	۲۸۴۴۸.۱	۱۲۸۸۲.۸	۱۳۸۹	۶۵۹۳۴۱.۵	۲۱۲۸۴۵
۱۳۶۰	۲۰۳۲.۴	۶۷۴.۷	۱۳۷۵	۳۷۵۷۱.۲	۱۹۲۱۱.۹	۱۳۹۰	۸۷۷۷۰۱.۹	۲۸۹۰۰۱
۱۳۶۱	۲۲۵۱.۵	۹۱۵.۹	۱۳۷۶	۴۴۹۶۶.۹	۲۰۴۷۱.۱	۱۳۹۱	۸۸۹۹۹۳.۲	۱۵۲۳۷۷.۴
۱۳۶۲	۲۵۲۳.۱	۱۱۴۹.۲	۱۳۷۷	۵۳۲۹۹.۶	۱۷۴۲۴.۷	۱۳۹۲	۱۱۹۷۶۴۷	۲۲۰۱۵۷.۲
۱۳۶۳	۲۴۷۵.۶	۸۷۸	۱۳۷۸	۶۷۷۳۶	۲۵۰۲۳.۶			
۱۳۶۴	۲۵۴۸.۱	۷۶۵.۱	۱۳۷۹	۸۲۶۰۵.۸	۲۲۴۴۳.۴			

منبع: داده‌های بانک مرکزی

نمودار ۲: پرداخت های جاری و عمرانی دولت در بازه ۱۳۹۳-۱۳۵۰ برحسب مقدار حقیقی (میلیارد ریال)

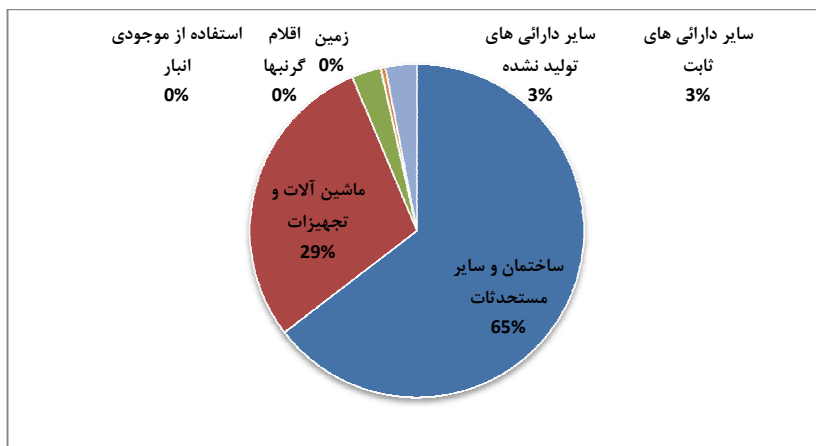


منبع: نتایج تحقیق با استفاده از داده‌های بانک مرکزی

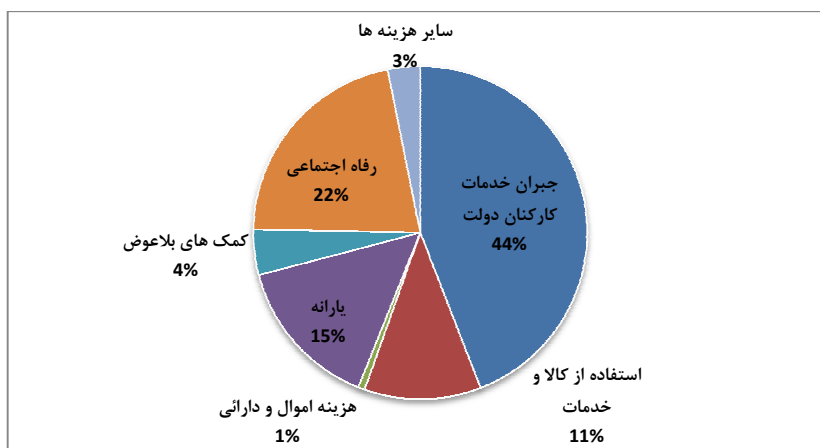
اگر میزان بودجه جاری و عمرانی را برحسب داده‌های حقیقی یا اسمی مرتب کنیم مشاهده می‌شود اولاً بیشترین هزینه جاری حقیقی در سال ۸۵ معادل ۹۳ هزار میلیارد تومان (بر اساس پایه ۱۳۹۰) و کمترین مربوط به سال ۱۳۵۰ و به میزان ۱۴ هزار میلیارد تومان بوده است. ثانیاً حداکثر بودجه عمرانی حقیقی مربوط به سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۵۶ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷ (سال‌های اوج درآمد نفت) به میزان تقریبی ۳۳ هزار میلیارد تومان و کمترین مربوط به سال ۱۳۶۸ به میزان ۴ هزار میلیارد تومان است. ثالثاً حداکثر هزینه جاری اسمی مربوط به سال ۱۳۹۲ به میزان ۱۱۹ هزار میلیارد تومان و عمرانی اسمی در سال ۱۳۹۰ به میزان ۲۹ هزار میلیارد تومان است. تغییرات شدید از بیماری بودجه‌بندی کشور حکایت می‌کند.

ترکیب هر یک از پرداختی‌های عمرانی و جاری در بودجه مصوب سال ۱۳۹۳ در نمودار زیر نشان داده شده است: سهم ۱۵٪ یارانه‌ها و ۴۴٪ جبران خدمات کارکنان دولت در مقابل با ۲۲٪ سهم رفاه اجتماعی با توجه به مأموریت‌های دولت در امور اجتماعی قابل توجه است.

نمودار ۳: سهم پرداختی‌های جاری در بودجه مصوب ۱۳۹۳

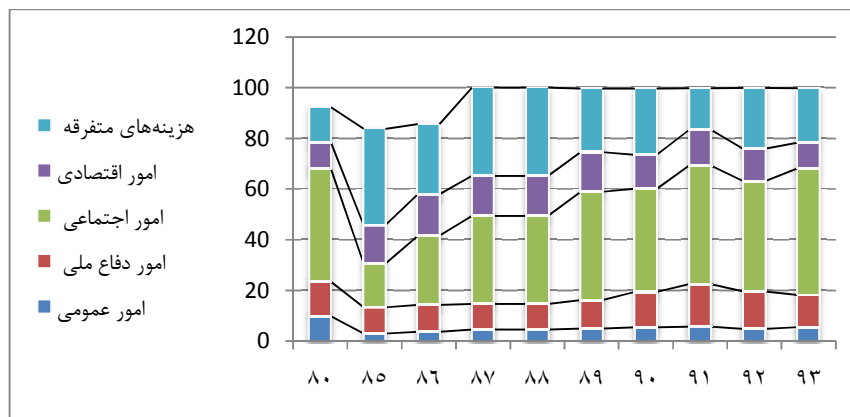


نمودار ۴: سهم پرداختی‌های عمرانی در بودجه مصوب ۱۳۹۳



علاوه بر این از نگاه دیگری می‌توان روند مصارف بودجه دولت را در طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ برحسب امور تقسیم نمود که در ذیل نمایش داده شده است. نکته حائز اهمیت در این روند کاهش هزینه‌های متفرقه و افزایش سهم امور اجتماعی در مخارج بودجه است.

نمودار ۵: روند مصارف بودجه دولت طی سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ (درصد)



منبع: نتایج تحقیق با استفاده از داده های مرکز آمار

در نمودار فوق باقی مخارج دولت در سال های ۸۶-۸۰ مربوط به بازپرداخت وام های خارجی و دیون می باشد که آورده نشده است.

برای درک بهتر شرایط امروز کشور بهتر است مقایسه ای بین کشورهای منتخب و ایران صورت گیرد. در نمودار زیر میزان درصد پرداختی های هر کشور نسبت به کل پرداختی های دولتی با توجه به آمارهای مالی دولت آورده شده است. آمار مربوط به ایران از داده های بانک مرکزی و برای سال ۱۳۸۷ می باشد و مقادیر سایر کشورها مربوط به سال ۲۰۱۳ بوده و از بانک اطلاعاتی سازمان بین المللی پول استخراج شده است.

جدول ۲: درصدپرداختی‌های هرکشورنسبت به کل پرداختی‌های دولتی سال ۱۳۸۷ ایران و سایر کشورها ۲۰۱۲

خدمات عمومی	امور دفاعی	نظم و امنیت عمومی	امور اقتصادی	حفاظت محیط‌زیست	مسکن و تسهیلات شهری	بهداشت و تفریح و درمان	فرهنگ و مذهب، تفریح	آموزش	حمایت اجتماعی	
۱۶.۶	-	۸.۸	۱۲.۶	۳.۲	۶.۴	۱۵.۵	۳.۸	۱۷.۷	۱۵.۴	چین
۱۴.۸	۹.۶	۳.۷	۲۱.۶	۱.۷	۶.۳	۱.۵	۲.۷	۱۴.۸	۲۱.۹	جمهوری کره
۹.۰	۳.۲	۲.۲	۹.۸	۱.۶	۱.۵	۱۶.۸	۲.۹	۱۲.۶	۴۰.۴	نروژ
۱۲.۰	۴.۹	۵.۰	۵.۸	۱.۹	۱.۷	۱۶.۶	۲.۱	۱۲.۶	۳۷.۵	بریتانیا
۱۴.۰	۴.۲	۵.۶	۱۲.۷	۱.۰	۳.۲	۱۱.۴	۲.۴	۱۱.۹	۳۳.۶	ترکیه
۲۳.۶	۷.۳	۶.۹	۹.۱	۰.۱	۳.۱	۸.۴	۲.۲	۹.۵	۲۹.۷	روسیه
۹.۹۰۳	۷.۰۴۷	۳.۰	۲۴.۶۳	۰.۱۱۷	۱.۸۳۷	۶.۰	۲.۹۲۱	۱۲.۹۷	۳۰.۴۴	ایران
		۸۶۲				۲۶۶				

منبع: نتایج تحقیق با استفاده از داده‌های صندوق بین‌المللی پول

در ایران میزان دخالت دولت و نسبت مخارج مصرفی دولت به کل تولید ناخالص داخلی در اقتصاد با احتساب شرکت‌های دولتی و مؤسسات غیرانتفاعی در سال ۱۳۹۲ برابر ۷۷.۲۴٪ و بدون احتساب مؤسسات وابسته، نسبت منابع عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی برابر ۲۵.۰۵٪ است که این مقدار در کشور آمریکا به علت فعالیت و تولید درآمد بالای بخش خصوصی در سال ۲۰۱۴ به ۲۱.۸٪ می‌رسد. در آمریکا دولت مأموریت‌های متعددی در بخش رفاه اجتماعی دارد که به همین دلیل سهم بالایی از بودجه را به خود اختصاص داده است. پرداخت مستمری به ازکارافتادگان و سالمندان، مراقبت‌های پزشکی، آموزش، امور دفاعی، امور رفاهی، حفاظت و امنیت، حمل‌ونقل، مخارج عمومی، سایر مخارج و بهره به ترتیب ۱۹.۱٪، ۲۰.۲٪، ۱۵.۵٪، ۱۳٪، ۸.۲٪، ۴.۲٪، ۴.۷٪، ۲.۸٪، ۶.۸٪ و ۵.۵٪ از کل مخارج مصرفی دولت را به خود اختصاص داده‌اند. از نگاه دیگر وضعیت تراز عملیاتی بودجه ایران که هزینه و درآمدهای جاری را تراز می‌کند در طول سالیان منفی است. مثلاً در سال ۹۲ از حدود ۱۲۰ هزار میلیارد تومان هزینه جاری حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان کسری داشته که از مازاد تراز سرمایه‌ای و مالی تأمین می‌شود.

باتوجه به آنچه در نمودارهای فوق نمایش داده شده است می توان نتیجه گیری نمود که به لحاظ شاخص های تخصیصی، ایران جایگاه مناسبی در بین کشورهای مختلف دارد و از نگاه کلی به امور مختلف کارآیی بودجه تاحد زیادی رعایت شده است اما در این بین موضوعات مختلفی مانند بخش محیط زیست هستند که نیاز است به آنها توجه بیشتری صورت گیرد.

۵- عوامل مؤثر بر مخارج عمومی دولت

یکی از نکات و مسائل مهمی که بایست در تحلیل بودجه به لحاظ کلان توجه نمود، شناسایی عواملی است که بر مخارج دولت تأثیرگذار است و باعث افزایش یا کاهش آن در یک بازه زمانی می گردد. در این خصوص مطالعات متعددی صورت گرفته است که در این مجال مختصر تنها به ارائه نتایج آنها اکتفا می شود. یکی از مهم ترین عوامل، میزان تورم است که هم از بعد درآمدها و هم از بعد مخارج مصرفی بر بودجه عمومی تأثیرگذار است. با توجه به اینکه افزایش شاخص های قیمت ها، افزایش اسمی درآمدهای مالیاتی را در پی دارد اما چون کشش قیمتی درآمدهای مالیاتی کمتر از یک است، نظام مالیاتی به تورم بی کشش است و در نتیجه افزایش تورم باعث افزایش کسری بودجه از بعد مخارج دولت می گردد (بیگدلی و مقصودی، ۱۳۸۴).

همچنین درآمدهای نفتی و درآمدهای مالیاتی عامل مهمی در گسترش فعالیت دولت در دهه های اخیر است. افزایش درآمدها باعث شده است دولت دخالت خود را در اقتصاد و امور مختلف بودجه ای افزایش دهد. آمارهای مربوط به سال ۸۶ و ۸۷ و ۵۳، ۵۴ و ۵۷ گویای این مطلب است. همچنین عوامل دیگری مانند تعداد دانش آموزان و ترکیب جمعیت، ارزش نرخ ارز، تعداد کارکنان دولت و تولید ناخالص داخلی اثرات مثبت و معنی داری بر هزینه های دولت دارد (بیگدلی و مقصودی، ۱۳۸۴). زیرا هر یک از امور فوق اثر مستقیم بر هزینه دولت و یا درآمد ناشی از ارز می گذارد.

پذیرش اصول حکمرانی خوب از عواملی است که بر روی هزینه های دولت تأثیرگذار است و می تواند کارکرد هزینه ای آن را بهبود بخشد. اصول حکمرانی خوب اصولی هستند که اگر دولت ها طبق آن گام بردارند، توسعه پایدار را با سرعت بیشتری دنبال خواهند کرد. کمیسیون اقتصادی، اجتماعی آسیا^۱ این اصول را چنین برشمرده که عبارت اند از: مشارکت مردم در امور اجتماعی، حاکمیت قانون، شفافیت و جریان آزادانه اطلاعات، پاسخگویی نهادها و سازمان ها، شکل گیری وفاق عمومی، مساوات حقوقی، اثربخشی و کارآیی، مسئولیت پذیری نهادهای دولتی و خصوصی. بنابراین حکمرانی خوب نقش غیر قابل انکاری در افزایش تأثیرگذاری هزینه های دولت برای کشورهایی که به لحاظ شاخص های فساد و بوروکراسی وضعیت مناسبی داشته باشند، دارد. زیرا کاهش فساد و بهبود

1. ESCAP

وضعیت بروکراسی دولت در نهادهای اجرایی کارکرد هزینه‌های دولت را در بخش مختلف افزایش می‌دهد (صباغ و باسحا، ۱۳۸۸). و ازین رو هزینه‌ها کاهش می‌یابد

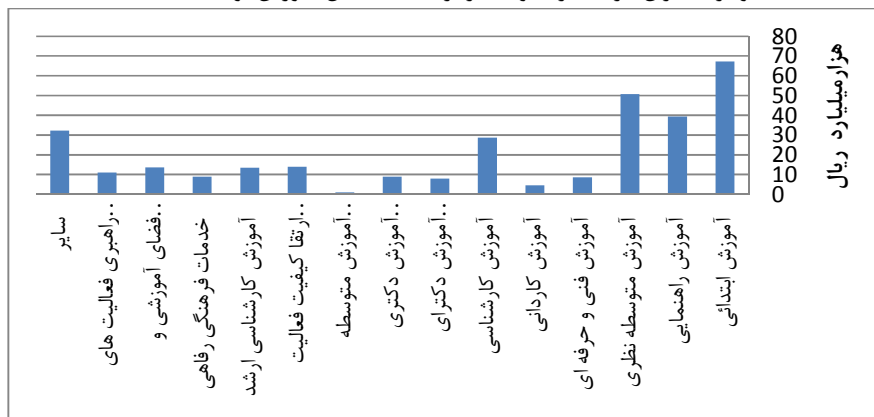
۶- راهکارها و پیشنهادات

در بند شانزدهم سیاست‌های ابلاغی بیان شده است که صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با استفاده از اصلاح ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت، حذف دستگاه‌های موازی و هزینه‌های زائد انجام پذیرد. بنابراین برای انجام این هدف بایست مأموریت‌ها و وظایف دولت تعیین شود و همچنین بحث بهره‌وری مورد توجه قرار گیرد. در زیر تعدادی از پیشنهادها برای رسیدن به این اهداف بیان شده است.

بخش آموزش

بر اساس اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بیان می‌کند: "دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم آورد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد"، پرداختی دولت به برنامه‌های آموزشی دوران دبستان تا متوسطه سهم ۱۴٪ از کل بودجه در برمی‌گیرد. بنابراین امکان حذف بودجه آموزش و پرورش به صورت قانونی نیست. البته این منوط به درخواست مردم برای آموزش است ولی اگر مردم به مدارس غیرانتفاعی مراجعه کنند دولت نیازی به تأمین هزینه آن ندارد. بنابراین تشویق به حضور بخش خصوصی در تأمین خدمات آموزشی قبل از دانشگاه می‌تواند تا حدی هزینه‌ها را کاهش دهد. اما اگر با بهبود بهره‌وری و تغییر از رویکرد آموزش محور محض به مهارت و صنعت محور و تقویت بخش‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش به‌گونه‌ای دانش و مهارت کافی و لازم برای ورود به بخش صنعت و خدمات در قالب طرح‌های کارآموزی و کارورزی فراهم گردد، اثربخشی هزینه‌های تخصیصی افزایش خواهد یافت. علاوه بر این باید دیدگاه و نگرش عمومی جامعه و بدنه صنعت و بخش‌های اقتصادی دولت را به این مسئله آشنا نمود تا زمینه پذیرش و جذب فارغ‌التحصیلان ایجاد شود.

نمودار ۶: میزان هزینه کرد دولت در برنامه های فصل آموزش بودجه ۹۳



منبع: نتایج تحقیق با استفاده از قانون بودجه سال ۱۳۹۳

در مقطع تحصیلات عالی الزام قانون اساسی بر ایجاد شرایط لازم تا سرحد خودکفایی کشور در تخصص های لازم است که در حال حاضر به نظر می رسد امکان تغییر در بودجه های مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، کاردانی، دکتری حرفه ای و تخصصی وجود دارد. البته مسیر پاسخ به نیازهای علمی دولت تنها از طریق ایجاد ظرفیت های دانشگاهی نیست و دولت می تواند از راه های دیگری مانند تقویت دوره های ضمن خدمت، ایجاد دانشگاه های تخصصی و برون سپاری امور علمی مشکلات خود را حل نماید. علاوه بر این نبایست در تخصیص بودجه به گونه ای رفتار شود که تفاوت زیادی به لحاظ حمایت های رفاهی و مالی بین دانشجویان دولتی و غیردولتی منظور گردد که این امر می تواند آسیب ها و هزینه های متعددی را در پی داشته باشد. همچنین دولت می تواند ارائه اعتبارات به دانشگاه های دولتی را بر مبنای ستانده آنها انجام دهد که در این حالت با نگاه شبه بازاری دانشگاه ها را به رقابت با یکدیگر وامی دارد (انتظاری، ۱۳۸۹).

بنابراین ایجاد بستر و شرایط مناسب برای ارتقای دوره های ابتدایی تا متوسطه، رقابت پذیر نمودن بخش های خصوصی با دولتی، ایجاد بستر تعاملی بین دانشگاه ها و بخش های غیردولتی و نیز مأموریت محور نمودن دانشگاه های دولتی برای انجام اموری که مستقیماً از سوی دولت برای رشد بخش علمی و فناوری کشور پیشنهاد می شود می تواند باعث صرفه جویی و ارتقای بهره وری در این بخش گردد.

دولت الکترونیک

ایجاد دولت الکترونیک روشی بسیار سودمند است تا زمینه دسترسی شهروندان به خدمات عمومی افزایش یابد و مردم بتوانند نیازهای اداری اجرایی خود را از این طریق در محیطی برابر و شفاف حل نمایند (مهتری، ۱۳۸۷). بنابراین استفاده هرچه بیشتر از این ابزار باعث افزایش سرعت و کیفیت به مردم و نیز کاهش هزینه‌های دولت و صرفه‌جویی در هزینه‌ها می‌گردد. علاوه بر این با استفاده از فناوری‌های روز می‌توان سطح نظارت و پایش بر اجرای اهداف کمی و کیفی را ارتقا داد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶) بدین صورت که فرآیند ارزیابی در طول مدت اجرای پروژه‌ها صورت پذیرد و فقط محدود به انتهای آن و گزارش‌های سازمان‌های نظارتی نباشد. در نتیجه با کمک شاخص‌های عملکردی فرآیند و محصول برنامه‌های مصوب ارزیابی می‌گیرند و اطلاعات کاملی از آنها به دست می‌آید.

بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد

بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد بدین معناست که بودجه تخصیصی به هر واحد و هر ردیف بودجه‌ای بر اساس داده‌های آماری تعداد کارمند، میزان وسایل و غیره نباشد بلکه مبنای پرداختی دولت بر اساس میزان فعالیت و نزدیکی عملکرد آن با شاخص‌های تعریفی تعیین گردد. ایجاد سازوکارهای بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد در کنار روش‌های مختلف تشویق و تنبیه مدیران جهت فعالیتشان، باعث می‌شود مسئول هر واحد و هر مجموعه‌ای که از دولت بودجه دریافت می‌کند تلاش نماید تا خود را به شاخص‌های تعریفی نزدیک سازد و در نتیجه بهره‌وری کارکنان جهت انجام فعالیت‌های تازه‌تر و خلاقانه‌تر رشد نماید. رقابت بین مجموعه‌های هم‌ردیف ایجاد و عدالت بین سازمانی تا حد زیادی رعایت می‌شود. اجرای بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد سبب می‌شود واحدهایی که سطح انتظارات عملکرد با مقدار واقعی آن تفاوت زیادی دارد شناسایی و عملکرد آن مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد باعث مطالبه عملکرد مشخص کمی طبق برنامه و نیز مقایسه آن با شاخص‌ها و معیارهای تعریفی دولت می‌گردد و در نهایت باعث ایجاد بهره‌وری و صرفه‌جویی‌های درون‌سازمانی می‌گردد.

بهینه‌سازی تخصیص بودجه‌ها و فرهنگی و خیریه

توجیه اقتصادی فعالیت‌های فرهنگی از طریق استفاده از ظرفیت‌های تشکلی‌های مردم‌نهاد در کنار سیاست‌ها و حمایت‌های دولتی و نیز استفاده بهینه از مراکز تاریخی، فرهنگی و مذهبی با توجه به پتانسیل‌های اقتصادی آنها می‌تواند از وام‌دار بودن بخش فرهنگ به سیاست و دولت جلوگیری نماید و دولت در بخش‌های نرم‌افزاری و کنترلی عهده‌دار بخش فرهنگ و هنر کشور شود. همچنین در قسمت فرهنگی بودجه عمومی کشور وجود تعداد متعددی ردیف‌های متفرقه و عدم سازمان‌دهی

مناسب آنها باعث عدم توازن و همگرایی در بودجه می شود که ضرورت بازنگری در آن را نشان می دهد. علاوه بر این دولت بایست توجه بیشتری به برخی برنامه های فرهنگی که اهمیت خاصی در نظام فرهنگی و تاریخی کشور دارند ولی از توجه خاص دولت مغفول مانده اند داشته باشد. در امور خیریه و حمایتی سازمان های متعددی مشغول به فعالیت هستند که می توان به کمیته امام، سازمان بهزیستی، صندوق های مختلف و سازمان های مردم نهاد اشاره کرد که عدم برنامه ریزی واحد و یکپارچه برای آنها و نیز نبود سیستم جامع اطلاعاتی از آمار و شرایط نیازمندان باعث شده است نتیجه ی مطلوب و مورد انتظار در این حوزه به دست نیاید. بنابراین بسیاری از این سازمان های حمایتی که از منابع دولتی و نیمه دولتی تغذیه می کنند بایست به سمت توانمندسازی قشرهای هدف حرکت کنند و کمک های غیرنقدی را به کمک های نقدی ترجیح دهند.

تمرکززدائی

تمرکززدائی به معنای انتقال مسئولیت ها از دولت مرکزی به دولت های محلی همراه با ایجاد پاسخگویی به آنهاست که این عمل علاوه بر افزایش شاخص های حکمرانی خوب در جامعه، باعث افزایش بهره وری و استفاده از قدرت خلاقیت و نوآوری در ساکنان محلی می شود. همچنین در صورتی که تمرکززدائی به خوبی و با الزامات خاص خود پیاده سازی شود می تواند از هزینه های بوروکراتیک و کاهش کارایی جلوگیری نماید. بایست به این نکته توجه داشت که در تمرکززدائی یک نقطه مطلوبیت وجود دارد که اگر سطح تمرکززدائی بیشتر از آن گردد باعث افزایش هزینه ها می گردد و لازم است حد و سطح و الزامات آن تعریف گردد (سامتی، رنای و معلمی ۱۳۸۶).

در حال حاضر یکی از معضلات اصلی تمرکزگرایی اقتصادی و سیاسی در پایتخت و شهرهای اطراف می باشد که در نتیجه توزیع جمعیتی را نیز دگرگون کرده است. عدم توجه به مطالعات آمایش سرزمینی و توسعه نامتوازن کشور باعث افزایش هزینه های اجرایی می گردد. بنابراین توجه به توسعه متوازن، قطب بندی جدید توسعه ای، توجه به آمایش سرزمین و افزایش اختیارات استان ها و اتخاذ سیاست نظارتی در دولت مرکزی راهکارهایی برای تمرکززدایی و کاهش هزینه های آن می باشد.

پیش بینی آینده و جلوگیری از بروز شوک های اقتصادی به کشور

سناریونویسی از وضعیت آینده کشور و برنامه ریزی برای هرگونه وضعیتی که به ممکن است در آینده رخ دهد باعث می شود فاصله بدنه کارشناسی با تصمیم گیری در سطح کلان کمتر شود. بنابراین آینده نگری و برنامه ریزی کمی با توجه به شرایط مختلف قابل اجرا خواهد بود و مشکلات ثانویه آن اعم از مالی، اجرایی و غیره کاهش خواهد یافت. به همین منظور اجرای کامل سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی و کاهش وابستگی منابع عمومی دولت به درآمدهای نفتی و گازی که

نوسانات آن باعث نوسانات مخارج بودجه می‌شوند، ضروری و مهم به نظر می‌رسد. اجرای صحیح سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی باعث می‌شود تا اقتصاد کشور در برابر شوک‌های خارجی مانند تحریم، جنگ، بحران‌های مالی و غیره منعطف شده و از ایجاد خسارت‌های اقتصادی و اجتماعی متعدد جلوگیری نماید.

حذف بودجه دستگاه‌هایی که می‌توانند برای خود درآمد ایجاد کنند

برخی از شرکت‌ها و ادارات مختلف دولتی توانایی ایجاد درآمدهای مناسبی از منابع خود را دارند که در صورت مدیریت صحیح و الزام دولت به انجام آن می‌توانند در ظرف چند سال وابستگی خود را به منابع عمومی دولت کاهش داده و از طرفی باعث افزایش آن نیز گردد. برای مثال می‌توان به اداره اوقاف و امور خیریه اشاره کرد که با وجود تعداد زیادی از زمین‌های مختلف تجاری، مسکونی و دریافت اجاره از آنها بهره‌وری مناسبی در انجام وظایف اقتصادی خود ندارد و یا وجود نزدیک به ۱۰۰ شرکت زیانده دولتی که علاوه بر استفاده از منابع دولتی برای جبران زیان خود، تسهیلات مختلف ارزان قیمت، معافیت‌های مالیاتی، تخفیف‌ها و غیره دریافت می‌کنند. عمده دلیل آنها نیز قیمت‌گذاری مستقیم دولت برای این شرکت‌ها است که دولت مجبور است مابه‌التفاوت آنها را پرداخت کند. بنابراین لازم است تجدیدنظری در خصوص مالکیت و اعطای تسهیلات دولتی به این نوع شرکت‌ها صورت گیرد و زمینه کاهش تصدی‌گری دولت در این حوزه انجام گیرد.

هدفمندی یارانه‌ها

یارانه پرداختی دولت در بخش انرژی اعم از سوخت‌های فسیلی، آب، گاز و برق باعث شده است که مصرف داخلی به صورت فزاینده‌ای رشد کند و نتیجه آن غیراقتصادی شدن پروژه‌های بهینه‌سازی مصرف به جهت تمایل به استفاده بیشتر از منابع انرژی می‌باشد که در صورت عدم مدیریت بهینه آن امکان ایجاد بحران در سایر انواع منابع انرژی همانند بحران آب وجود دارد. بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به تأکید منابع اسلامی به اعطای یارانه و کمک‌های دولتی به افراد نیازمند واقعی، بایست قشر نیازمند جامعه بازتعریف و شناسایی شود و هزینه مصرف هرگونه کالا و خدمات از افراد دریافت گردد و به ازای آن یارانه دولت به سایر بخش‌ها مانند خدمات عمومی، حمل‌ونقل، پروژه‌های بهینه‌سازی و تحقیقاتی و غیره اختصاص یابد. نتیجه این کار صرفه‌جویی در منابع عمومی دولت، حفظ منابع طبیعی کشور و ایجاد فرهنگ بهینه مصرف می‌باشد.

۷- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آنچه مقاله در پی آن است ارائه وضعیت هزینه‌های عمومی کشور و مشکلات آن و راهکارهای علمی برای برطرف شدن آن در چارچوب شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی است. از مجموع مباحث اقتصاد اسلامی معلوم شد تأمین هزینه‌های عمومی که عدالت اقتصادی را تأمین کند (فقر

را برطرف و فاصله های درآمدی را کم و رفاه عمومی را ارتقا بخشد)، امنیت و استقلال کشور را تضمین کند، توسعه و عمران و آبادی را تحقق بخشد بر عهده دولت اسلامی است و این امر برای تحقق اقتصاد مقاومتی هم لازم است ولی تأمین هزینه ها باید بر اساس معیارهای دینی مثل مصلحت عمومی، ارتقا معنویت، محبت و اعتماد به مردم، قناعت و صرفه جویی، شفافیت در تصمیم گیری و کیفیت هزینه کرد و کاهش تصدی گری شکل گیرد. نگاهی به وضعیت هزینه کرد دولت در چهل سال اخیر نشان داد اندازه دولت بسیار افزایش یافته و از همین رو اثربخشی فعالیت های عمومی به شدت کاهش یافته است. با بهره وری پایین در مورد کالا و خدمات که دولت و شرکت های دولتی آن را تولید می کنند معلوم شد که مصلحت عمومی مراعات نشده است. نبود اطلاعات نسبت به تصمیم گیری و عملکرد، زمینه رانت خواری را نشان می دهد ولی عنصر اصلی کیفیت تأمین هزینه ها است که در ایران غالباً از مزاد تراز سرمایه ای و مالی جبران می شود. از موارد اصلی شکل گیری اقتصاد مقاومتی در ایران بهبود وضعیت هزینه های دولت است. مثلاً بودجه های آموزشی رقم فراوانی در امور بودجه جاری کشور بر عهده دارد. در آموزش باید سیستم بخش غیردولتی را افزایش داد. توزیع یارانه ها و هر نوع انتقال درآمد به نیازمندان باید در فضای شفاف و روشن وضعیت درآمدی افراد صورت گیرد.

منابع

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲. ابوداود، سلیمان بن الاشعث السجستانی (۱۴۰۹ق) سنن ابی داود، ۲جلد، الطبعة الاولى، بیروت: دارالجنان.
۳. ابوعبید، القاسم بی سلام (۱۴۰۶ ق) کتاب الاموال، الطبعة الاولى، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴. انتظاری، یعقوب (۱۳۸۹) تحلیل عملکرد تخصیص بودجه به دانشگاههای دولتی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی درآموزش عالی: ۲۱-۱.
۵. بازمحمدی، حسین و اکبرچشمی (۱۳۸۵) اندازه دولت در اقتصاد ایران. تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۶. بیگدلی، محمدتقی، ونصراالله مقصودی (۱۳۸۴) بررسی اثرات تورم برکسری بودجه از لحاظ درآمد و مخارج دولت در اقتصاد ایران، پژوهش نامه اقتصادی: ۱۱۲-۸۱.
۷. بیهقی، احمد بن الحسین (بی تا) السنن الکبری، ۱۰ جلد، بیروت: دارالمعرفه.
۸. تقوی، مهدی و علیرضا صنیع دانش (۱۳۷۵) علل افزایش حجم فعالیت های دولت در ایران از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰، مدیریت دولتی: ۵۰-۲۹.
۹. حسینی، سیدمهدی؛ ایمانفدایی، وعلیرضاغیبی (۱۳۸۷) ترکیب اجزای مخارج دولت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی با تأکید بر امور و فصول بودجه عمومی فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی: ۶۳-۳۷.
۱۰. حسینی، مهدی؛ علیرضاغیبی و ایمان فدایی (۱۳۸۴) بررسی تطبیقی ترکیب مخارج بودجه دولت بین گروه کشورهای توسعه یافته در حال توسعه و ایران مجله اقتصادی: ۸۳-۸۱.
۱۱. حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی محمد و حکیمی علی (۱۴۰۶ق) الحیاه، ۶ جلد، الطبعة الاولى، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. حر العاملی، الشیخ محمدبن الحسن (۱۴۰۳ق) وسائل الشیعه، ۲۰ جلد، تصحیح عبدالرحیم الربانی الشیرازی، مکتبه الاسلامیه.

۱۳. دادگر، یدالله، و روح‌الله نظری (۱۳۸۷) اندازه بهینه دولت در کشورهای منتخب اسلامی، جستارهای اقتصادی: ۱۵۸-۱۱۵.
۱۴. ذاکری، علی‌اکبر (۱۳۷۸) سیمای کارگزاران علی‌بن‌ابی‌طالب امیرالمؤمنین (ع)، چاپ چهارم، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۵. رضایی مجید (۱۳۸۰) زهد و قناعت، «دانشنامه امام علی (ع)»، ج ۷، زیر نظر علی‌اکبر رشاد، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۶. رضایی مجید (۱۳۷۷) عرضه نیروی کار بر مبنای اصول حاکم بر بازار کار اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه مفید.
۱۷. رضایی مجید (۱۳۸۳) کار و دین، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
۱۸. رضایی دوانی، مجید (۱۳۸۹) مقدمه ای بر مالیه عمومی در اسلام، تهران: سمت.
۱۹. رضایی مجید؛ سعید فراهانی و علی معصومی نیا (۱۳۷۹) نظام مالی دولت‌های مسلمان از ظهور اسلام تا قرن چهارم هجری، «نظام مالی اسلام» (مجموعه مقالات) به اهتمام احمدعلی یوسفی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۰. رضی، الشریف ابوالحسن محمد (۱۳۹۵ق) نهج‌البلاغه، تحقیق صبحی الصالح، قم: مرکز البحوث الاسلامیه.
۲۱. ری شهری، محمد (۱۴۲۱ق) موسوعه الامام علی بن ابیطالب، ج ۴، الطبقة الاولى، قم: مرکز دارالحدیث.
۲۲. سامتی، مرتضی؛ محسن رنایی و مژگان معلمی (۱۳۸۶) تمرکز زدایی و منافع تشکیل دولت‌های محلی از منظر افزایش کارآیی مجله تحقیقات اقتصادی: ۱۵۱-۱۲۳.
۲۳. سیف، اله مراد (۱۳۹۱) الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران آفاق امنیت: ۲۲-۵.
۲۴. صباغ، مجید و مهدی باسزا (۱۳۸۸) نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی تحقیقات اقتصادی: ۱۳۰-۱۰۹.
۲۵. صدر، سید کاظم (۱۳۷۴) اقتصاد صدر اسلام، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه

- شهادت بهشتی، چاپ اول.
۲۶. صدر، السيد محمدباقر (۱۴۱۷ق) اقتصادنا، الطبعة الاولى، قم: مكتب الإعلام الاسلامی.
۲۷. صدر، السيد محمدباقر (۱۴۲۱ق) الاسلام يقود الحياه، قم: مركز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
۲۸. قرشی، محمد بن محمد بن احمد (ابن الاخوه) (۱۹۳۷م) معالم القرية فی احکام الحسبه، تصحيح روبن لیوی، کمبریج: دارالفنون.
۲۹. قلیزاده، علی اکبر (۱۳۸۳) رویکردی برای تعیین اندازه بهینه دولت (بر مبنای بودجه عمومی دولت) مجله برنامه و بودجه: ۵۳-۱۹.
۳۰. کتانی، عبدالحی (بی تا) نظام الحکومه النبویه المسمى التراتیب الاداریه، ۲ جلد، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۳۱. کردبچه، محمد (۱۳۸۳) الگوی بودجه عمومی دولت، مجله برنامه و بودجه: ۵۶-۳.
۳۲. کونولی سارا و الیستیر مونرو (۱۳۸۸)، اقتصاد بخش عمومی، ترجمه مرتضی سامتی، همدان. انتشارات نور علم، (۱۳۸۳).
۳۳. یوسف. "عوامل مؤثر بر هزینه های جاری دولت در ایران ۱۳۸۰-۱۳۳۸". پژوهش نامه علوم انسانی و اجتماعی، ۱۰۸-۷۹.
۳۴. مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۵) بحار الانوار، ۱۱۰ جلد، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۳۵. محمودی، محمدباقر (۱۳۷۸ق) نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، ۸ جلد، الطبعة الاولى، النجف الاشرف: المطبعة النعمان.
۳۶. یوسف، و مجتبی مجاوریان (۱۳۸۳)، "ارزیابی اثر اقتصادی درآمدهای مالیاتی بر میزان مخارج جاری دولت در ایران: یک تحلیل تجربی ۱۳۸۳-۱۳۵۷". فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، ۱۰۵-۷۷.
۳۷. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۶). پیشنهاد های مرکز پژوهش ها برای ارتقای لایحه بودجه ۱۳۸۷. تهران: مرکز پژوهش ها.
۳۸. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۱ق) دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، ۴ جلد، چاپ اول، ج ۱ و ۲، قم: المركز العالمی للدراسات الاسلامی، ۱۴۰۸ و ج ۳ و ۴، قم:

دارالفکر.

۳۹. مهتری، محمد. (۱۳۸۷) "دولت الکترونیک : رویکردی نوین در اصلاح الگوی مصرف و کاهش هزینه های دستگاه های اجرایی ." همایش مدیریت فن آوری و نوآوری. تهران.
۴۰. میرمعزی، سیدحسین. (۱۳۹۱) "اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه های مقام معظم رهبری." اقتصاد اسلامی، پاییز: ۴۶-۷۹.
۴۱. نوبخت، محمدباقر. (۱۳۹۱) "مدل مفهومی اصلاح ساختار نظام بودجه ریزی کشور." فصلنامه راهبرد اقتصادی، پاییز ۴۶-۷.
۴۲. هزاوئی، مرتضی، وزیرکیعلی. (۱۳۹۳) "اقتصادمقاومتی؛ نمادمدریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران." فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ۲۶-۹.

